

ذمت این قرض و صرف دخل دولت در مصالح لازمه و استمدادات موجه قوت و شوکت که اول قدم ترقی است ، ترتیبات صحیحه فراهم و مقدمات استغناء از اجانب که دایه ثروت و مکتت و تخلص از فقر و ذلت و به مزید معونه و همدستی متمکنین از ابناء وطن و اطمینان آنها به عدم تلف و عنوان اموال موقوف است به افکار ثاقبه و تدابیر حکیمانه تدریجاً مهیا و صرف جهد و بذل مهیج خواهند فرمود که انشاء الله تعالی والثقة بالله تعالی و بولی امره صلوات الله علیه و علی آباءه الطاهرین والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته . ( الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی ) .

روز یکشنبه چهارم محرم الحرام ۱۳۲۵ - مذاکرات امروز در مجلس شورای ملی در چند ماده بود :

اولاً - قرائت نظامنامه بلدیة و تصحیح آن و شاید ما صورت آنرا درج نمائیم ولی حالا به واسطه مفصل و مشروح بودن آن از درج آن صرف نظر کردیم .  
ثانیاً - در باب فروش اطفال قوچانی و تلکرافتی هم از عشق آباد کرده بودند قرائت شد که خلاصه مضمون آن از این قرار است .

خلاصه مضمون تلگراف از عشق آباد که در خصوص فروش اطفال قوچانی در مجلس قرائت شد

اگرچه از شاهد کسی قسم نمی خواهد ولی ما ایرانیان مقیم عشق آباد که تقریباً پنجهزار نفر هستیم به شرف و دین و اسلام قسم یاد می نمائیم و خداوند را به شهادت می طلبیم که به چشم خود دیدیم که اطفال قوچانی را در عشق آباد مثل گوسفند و سایر حیوانات به ترکمان ها می فروختند و کسی نبود دادرسی نماید و در خصوص بانگ ملی هم کمال همراهی را داریم .

در این موقع تمام اهل مجلس و تماشاچیان گریه زیادی کردند بطوریکه نمی توانستند خودداری نمایند ، بعضی گفتند: بعد از این گریه بهترین چیزها این است که مجازات فاعل و حاکم خراسان را اکیداً از دولت بخواهید هر کس این داغ را به دل ایرانیان گذاشت به مجازات برسد که باعث تشفی قلوب شود . مناسب این بود يك نفر از وکلاء بگوید از گذشته صرف نظر کنید و کاری بکنید که بعد از این ، این ظلمها و بدعتها موقوف و جلو گیری شود و الاً استیلاء صاحبان نفوذ همیشه مقتضی این کارهاست . باید صاحبان نفوذ در تحت قانون ، قدرتشان محدود شود و الاسف ! شنیدم که اطفال سه چهارساله را از دامن های مادر هایشان می بردند مادرهای آنان التماس می کردند که يك دو ساعت مهلت دهید تا خواب روند و در خواب آنان را ببرید ، هر کس اولاد دارد می داند دردی در عالم بدتر از این نیست

خدایا خودت جزای ظالمین را بده و موفق تدارکس را که تیشه بر اساس عدالت که مبنای انسانیت است می‌زند .

دوشنبه پنجم محرم الحرام ۱۳۲۵ - امروز گفتگوی اکبرشاه و شیخ زین‌الدین زنجانی و آقا سید محمد تفرشی در مجالس روزه بسیار است جمعی از طرف ابناء وطن و انجمن مخفی مأمور شدند که بروند در خانه آقا سید محمد و استماع موعظه اکبرشاه را بنمایند . انجمن مخفی امروز در خانه جناب آقا میرزا سید حسن نقیب‌السادات ملایری منعقد گردید و مذاکره در خصوص روزنامه شده بنده نکارنده امتیاز روزنامه نوروز را واگذار به انجمن نموده . ده نفر شریک شدند و بنا شد اسم آن را کوکب درّی نمایند و به این اسم روزنامه طبع و توزیع شود مقالات روزنامه را هم نوشته و حاضر کردند لکن چون به اسم بنده است لذا گفتم احتیاطاً مقالات را می‌فرستم وزیر مطبوعات ملاحظه نمایند . امروز مجلس تعطیل است .

روز سه‌شنبه ششم محرم الحرام - امروز مذاکرات مجلس در خصوص مستدعیات اهالی آذربایجان بود که بعضی از آنها را باید اجراء نمود . دیگر در باب دخترها و اطفال قوچانی مذاکره شد و اینکه در یک روز به حکم آصف‌الدوله حاکم خراسان از صبح تا ظهر صد و شصت نفر دختر باکره را فروخته‌اند . دیگر در باب تعطیل این چند روزه عزاداری که مجلس تا چهاردهم تعطیل باشد ولی بعضی از وکلاء مشغول نوشتن قوانین مالیه باشند و قرار شد روز پنجشنبه مجلس مفتوح باشد . دیگر آنکه قرائت نمودند کاغذی را که یکی از خواتین مکرمه قزوین به سعدالدوله نوشته است و صورت آن را مادر ج می‌نمائیم که خواننده تاریخ بداند زن‌های ایرانی از اساس مشروطیت چگونه همراهی دارند و اگر وکلاء و مبعوثان ملت اساس را صحیح و این بنا را بر قواعد محکم گذارند هر آینه از بدل‌جان و مال احدی دریغ نخواهد داشت .

مکتوب یکی از مخدرات قزوین که

به سعدالدوله نوشته است

حضور مبارک پدر مهربان ملت ایران حضرت آقای سعدالدوله دامت شوکت . بنده کمینه که جان ناقابل خودم را با نهایت افتخار برای پیشرفت مقاصد حضرات امنای دارالشورای ملی حاضرم فدا نمائیم ، در روزنامه مبارکه مجلس دیدم که در خصوص تأخیر مراقبت عموم در بانک ملی کم‌خواطر مبارک و کلای محترم دارد مکدر و مأیوس می‌شود ، ای جان این کمینه فدای آن ساحت مقدس باد که گویا هنوز از فقر و پریشانی ملت اطلاع ندارید و الله با الله که ظلم و تعدی چیزی از برای ما باقی نگذاشته است ، و الا تا این درجه ایرانیان بی‌غیرت و همت نیستند ، بعلاوه همه کس دسترس به طهران ندارد که بتواند به اندازه استطاعت سند اسهام بانک را دریافت نمایند و این کمینه مقدار ناقابل از زیور

آلات خودم را که برای ایام سخت ذخیره کرده بودم فقط برای افتخار به توسط حضرت ... به جهت بانك ملی فرستادم از حضور عالی عاجزانه استدعا دارم که هدیه مختصر کمینه را با نظر بلند خودتان دیده، بفرمائید اشیاء مرسوله را اعضاء محترم بانك ملی به امانت و شرافت خودشان فروخته و هر چه قیمت آنها شد سند اسهام بانك برای کمینه روانه فرمائید چه کنم که زیاده از این قادر نبودم مگر آنکه جان خودم را در موقع فدای ترقی وطن عزیز بنمایم امضاء کمینه در خدمت شما در دفتر بانك محفوظ باشد. زنی هم از همسایگان کمینه همت و غیرت نموده با آنکه شوهر ندارد و يك پسر صغیر دارد این بیچاره هم پول نقد نداشت سه فقره اسباب که در صورت علیحده ثبت شد به توسط کمینه تقدیم حضور مبارک نموده که آنها را هم فروخته سند اسهام بانك ملی به اسم صغیر مشارالیها مرحمت فرمائید استدعا دارد که کمینه را از قبول اینها و تسلیم به بانك ملی قرین شرف و افتخار بزرگ فرمائید. زنده بمانید خیلی نیک بختی و افتخار این کمینه خواهد شد که اشیاء ناقابل را مخصوصاً در دارالشورای مقدس ملی به وکلای محترم ملت حراج فرمائید و قیمت هر چه باشد اسناد بانك بخرید که ذخایر ناقابل کمینه پیرایه وجودات بستگان اشراف ملت باشد. این مطلب فضولی بود آنچه اراده حکیمانۀ خود حضرتعالی اقتضا فرماید برای کمینه سعادت و شرف خواهد بود. امر امر اقدس عالی مطاع.

امروز باز سید اکبر شاه اشرف در خانه آقاسید محمد تفرشی رفت منبر و نسبت به علماء اعلام و وکلای ملت هتاکی و فحاشی نمود چون از حد گذرانید جناب آقا سید رفیع که جوانی بود با حرارت و هوا خواه (۱) عدالت او را جواب داد و منع نمود، شیخ زین الدین و آقاسید محمد که از پیش تهیه خود را دیده بودند سید مظلوم را منع می کنند او را می زنند بعض از هواخواهان عدالت به حمایت آقاسید رفیع برآمده نزاع سخت می شود و فتنه بالا می گیرد تا بالاخره آقا سید رفیع و معاونین او را از خانه بیرون می کشند مردم هم متفرق می شوند آقاسید رفیع با جمعیت می رود به خانه جناب آقا سید عبدالله و مظلم می شود از آنجا می آید منزل جناب آقا میرزا سید محمد طباطبائی در بین راه بنده نگارنده آقاسید رفیع را دیدم که با گروهی از طلاب با عمامه ژولیده فریادکنان می آید بنده را که دید فریادش زیادتر شد و مرا با خود آورد منزل جناب حجة الاسلام. لکن جناب حجة الاسلام به ملایمت فرمودند. حمد خدای را که امروز مجلس دارید مثل سابق نیست که کسی بتواند ظلمی نماید البته رسیدگی می شود و مجازات خواهند داد و پیغام به حکومت دادند که چرا

از این گونه مفاسد جلوگیری نمی‌کنید و به دست خود هرج و مرج را در مملکت دعوت می‌کنید .

روز چهارشنبه هفتم محرم الحرام ۱۳۲۵ - امروز به مناسبت عزاداری رفق در خانه جناب آقا میرزا سید محمد برای استماع ذکر مصائب اهل بیت طهارت و عصمت، درین روزه آقا سید رفیع با پنجاه شصت نفر از سادات و طلاب به حالت فریاد و فغان آمدند در حسینیه. آقا سید رفیع رفت بالای منبر و گفت: ای مردم من نه از کتک خوردن خود تظلم می‌کنم و نه از این صدمه که به من رسیده است شاکمی هستم .

ما طلاب و سادات می‌گوئیم باید احکام این قرآن جاری شود و قرآن را از بنل بیرون آورده و به دست گرفت و گفت: جدم حضرت سیدالشهدا خواست احکام این کتاب مقدس را جاری کند آن حضرت را شهید کردند . حالا ما می‌گوئیم پس از این زحمات و مهاجرت آقایان دود فیه به حضرت عبدالعظیم و به بلده قم و تحمل گرمای تابستان و سرمای زمستان و این زحمت ملت و قتل نفوس طیبه طاهره سادات که صاحب مجلس شدیم و درین ملل و دول عالم به نجات و معقولیت معروف شدیم ، حالا جماعتی از خدا بی‌خبران سبطریق عدالت را تقاضا می‌کنند پس ما هم می‌گوئیم این قرآن و این کتاب خدا . از روی آن باما رفتار کنید و احکام آن را جاری کنید به اندازه [ای] صحبت داشت که صدای شیون از مردم بلند شد .

جناب ادیب الممالک در نمره ۴۲ روزنامه مجلس مورخه امروز که هفتم محرم است مقاله در این خصوص نوشته است که مابین آن مقاله را درج می‌نمائیم . و هذا صورتها :

#### مقاله ادیب الممالک در روزنامه مجلس

چندی است که جماعتی از متواغظان خانمان سوخته و متعالمان دین به دنیا فروخته در مناظر و محافل سوء ادب نسبت به مجلس شورای ملی و نکوهش حامیان دین و وطن را وسیله شهرت خود دانسته (مانند کسی که برای شناسائی و اشتهار خود چاه زمزم را ملوث کرد ... ) همواره خرافات به قالب زده و به اصطلاح ادبای عهد قدیم (ژانمی خاید) و از آنجائی که بقول جمهور (دریا به دهان ... آلوده نمی‌شود) حامیان ملت غرا تعرض به این گمنامان را مادون مناعت قدر و جلالت شأن (مجلس محترم) می‌دانند اعتنائی به کلمات آنان ننموده و جواب ابلهان را به سکوت محول ساخته .

فتنارا این عدم اعتناء اسباب تجری آنان گشته و بی‌اندازه از حدود خود تجاوز کرده‌اند چنانچه از اول عاشورا یکی از ایشان که معروف به سید اکبر شاه و ملقب به اشرف الواعظین است همه روزه در مناظر و مجامع زبان گستاخی نسبت به علماء اعلام و مؤسسين مجلس مقدس گشوده عجب این است که به این مقدار

اکنفا تنموده نسبت به مجلس ملی که حافظ نام و ناموس دولت و ملت است جسارتها کرده و کار را بهجائی رسانیده است که در روز سهشنبه ششم شهر حال (دیروز) در مجمع روضه خوانی آقا سید محمد پسر مرحوم آقا سید علی اکبر مجتهد طاب ثراه از کثرت ناهنجار گوئی مومی الیه یکی از سادات غیور و حامیان وطن به معاونت بعضی از ملت خواهان از در اعتراض برآمده است که چرا باید در محضر آقا زاده ... این صحبت های خلاف قاعده عنوان شود . شیخ زین الدین زنجانی در مقام عتاب برآمده است و اجامره و اوپاش تبئه خود را به اذیت او برانگیخته است جمعی از طلاب مدرسه حاجی ابوالحسن به حمایت سید برآمده و مورد هتک واقع شدند. فعلا به واسطه این اوضاع تمام طلاب و تجار و اصناف در محضر حجج اسلامیه خاصه خانه آقای آقا سید عبدالله مجتهد شاکئی و متظلمند که باید اشخاص مزبور بهسزای خود برسند. انتهى .

روز پنجشنبه هشتم محرم الحرام ۱۳۲۵ - امروز به واسطه ایام عزای ادارات تعطیل است مستبدین شهرت داده بودند که مملکت و سلطنت ایران حالا که مشروطه شده دیگر عزاداری برای حضرت سیدالشهدا نمی کنند لکن شهرت ایشان باطل و دروغ شد چه امسال در تهران عزاداری بهتر از هر سال شده و می شود آقا سید رفیع با جمعی از طلاب مشغول فریاد و فغان در مجالس روضه که متعلق به علماء اعلام می باشند می روند . شیخ زین الدین و اکبر شاه و آقا سید محمد تفرشی در خیال تحصن به زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم می باشند جمعی از طلاب سادات فقیر را به وعده پول فریفته و با خود همدست نموده اند .

مذاکرات مجلس امروز مخصوص با وزیر مالیه ناصر الملک بود و در مسئله گمرک و تفریغ و تفریق حساب مسیونوز بود که روزنامه مجلس درج خواهد نمود. امروز وزیر مالیه دو مسئله را در مجلس انداخت تا بعد چه نتیجه دهد . یکی مسئله تعدیل مالیات دیگری کسر مخارج دولت که سالی چند کرور مخارج از مداخل زیادتر است باید خرج را برابر دخل کرد، بلکه از دخل هم اضافه آید این دو مسئله و کلاء را بیدار و متوجه به کسر مخارج نموده است .

روز جمعه نهم محرم الحرام ۱۳۲۵ - امروز انجمن مخفی بواسطه بودن تاسوعا تعطیل است و در عوض روز یکشنبه ۱۱ محرم را قرار شد در خانه جناب ذوالریاستین حاضر شویم . امروز جناب آقا سید جمال در حسینیة جناب حجة الاسلام آقای طباطبائی رفت بالای منبر و مردم [را] تحریض و ترغیب نمود بر حفظ قانون و نگهداری از قانون و بطور عدل و مساوات رفتار کردن و قدر مجلس را دانستن و گفت ای اهل تهران و ای اهل ایران قدر مجلس را بدانید این مشروطه و این مجلس هفت و مجانی به شما داده شد

در جاهای دیگر کرور کرور (۱) نفوس برای ابن کار جان دادند و خون‌ها ریخته شد ولی از برکت امام زمان عجل الله فرجه و همت علماء دین و مجاهدت و وطنخواهان ما به قیمت جان و خون نکر فتم خیلی سهل و آسان به این نعمت رسیدیم آیا دو سال قبل نبود که صدراعظم عین الدوله روزی هزار تومان از خبازخانه و قصابخانه می گرفت که نان را گران و گوشت را به هر قیمت بخواهند بفروشند؟ آیا سه چهار سال قبل نبود که نان را يك من چهار هزار می خریدید؟ آیا سال گذشته که همه به خاطر دارید رعیت را نمی فروختند؟ آیا نمی دیدید که هر کس می آمد يك کلمه حرف بزند او را نفی و معدوم می کردند؟ سالی چقدر نفوس از اهل ایران به دست این حکام ظالم کشته می شد؟ سالی چقدر نفوس به ولایات و ممالک خارجه فرار می کردند؟ پس قدر معدلت و مجلس را بدانید. مبنای دین اسلام بر عدالت و مشاورت است. اصول دین اسلام بر مشروطیت است اشخاصی که می گویند عدالت بد است، مشروطیت مخالف دین اسلام است، این جماعت پول گرفته اند دنیا پرست می باشند. این نعمت عظمی و الله مفت خیلی مفت به شما رسید. در این مقام بنده نگارنده از توی مجلس جواب آقای سید جمال را داده گفتم جناب آقا مشروطیت را مفت ندادند بلکه ماها مفت گرفتیم فرق است بین دادن و گرفتن وانگهی این سادات که نفوس مقدسه بودند برای چه کشته شدند؟ دیگر اینکه هنوز دیر نشده است ماها هنوز عقبه‌ها در پیش داریم کسی چه می داند چه خواهد شد؟ باز جناب آقای سید جمال بنای صحبت را گذاشته و به روضه موعظه را ختم نمود.

روز شنبه دهم محرم الحرام ۱۳۲۵ - امروز به مناسبت عاشورا (۲) مردم خوب عزاداری نمودند و دسته های متماد در بازار و مدرسه شیخ عبدالحسین در گردش بودند. ساز و طبل را امسال موقوف کردند برای اینکه خلاف شرع است. دیروز شیخ زین الدین زنجانی و سید اکبر شاه روضه خوان و آقا سید محمد تفرشی رفتند به حضرت عبدالعظیم جمعی از اوپاش هم با آنها همدست شده از طرف حکومت تهران پولی به آنها داده شده است و آشکارا مخالفت ملت و هواخواهان معدلت را می نمایند ولی حجج اسلام و مؤسین مشروطیت اعتنائی به آنها نمی کنند و اگر پولی به این سه نفر می رسید هر گز به این کار اقدام نمی کردند.

روز یکشنبه یازدهم محرم الحرام ۱۳۲۵ - امروز انجمن مخفی در خانه جناب ذوالریاستین کرمانی تشکیل یافت مذاکرات در خصوص روزنامه کوکب دری و طبع آن و اقدام به تمدد انجمن و تشکیل انجمن های سری و علنی بود. شاهزاده ظل السلطان که چند روز قبل وارد این پایتخت شده بود این روزها اظهار همراهی و هواخواهی از مشروطیت می نماید

۱ - در نسخه خطی «کروس» آمده است.

۲ - در نسخه اصلی، هوشورا.

و در مجلس خود علناً از مجلس تعریف می‌کند و جلب می‌نماید قلوب مردم را به طرف خود. تلگرافی از عشق‌آباد ثانیاً رسیده است که امروز صورت آنرا بدست آورده و این است که درج می‌شود .

#### تلگراف ثانوی عشق‌آباد

حضور مبارک مطلق الاحترام مجلس شورای ملی دام بقائهم العالی .  
 عرض می‌شود در نمره ( ۲۹ ) روزنامه مجلس خواندیم در باب فروش اهالی قوچان که فرزند شاهنشاه ایرانند و وکلاء محترم ملت در مجلس از وزیر داخله سؤال کرده بودند . وزیر اظهار بی‌اطلاعی کرده و جوایب علم‌الیقین بودند . لهذا ما پنج‌هزار نفر تبعه شاهنشاهی که ساکن عشق‌آبادیم به مفاد صریح آیه مبارکه «ولاتکم والشهادة» باوجودیکه برشاهد قسم نیست باکمال اطمینان اول به ناموس ایرانیت و اسلامیت و انسانیت سوگند یاد نموده ، آنگاه شهادت می‌دهیم که جناب وزیر اگر طالب علم‌الیقین‌اند لهذا ما بعین‌الیقین دیده‌ایم که برادران و خواهران و نوباوگان (۱) وطن عزیز ما را که فرزندان شاهنشاه ایران بودند در سال قبل در عشق‌آباد و اطراف مثل حیوانات به تراکمه فروخته. ای انصارالله ای حواریون محمد مصطفی مترسید ، ایاکم واعانته الظالم را منظور نظر مبارک فرمائید از لاهم یحزون محسوب شوید در تقویت شاهنشاه ایران و حفظ حقوق ملت ایران که ودایع گرامی بهاء الهی‌اند بافدای مال و جان حاضر باشید زیرا که ما پنج‌هزار تبعه ایران ساکن عشق‌آباد در تقویت شما و تشدید بانگ ملی همان‌طور بافدای مال و جان حاضریم. زنده باد شاهنشاه ایران باعدالت. پاینده باد شورای ملی باحریت و مساوات (امضای ایرانیان مقیم عشق‌آباد و وکلای ایرانیان مقیمین عشق‌آباد (حاجی امین‌التجار) (حاجی حسینعلی محمد کاشی) (آقا سقل کل محمد اسماعیل) (حاجی عبدالباقی جباراوف) (محمد شفیع محمد اوف، حاجی میریوسف) (حاجی جعفر و غیرهم) غره محرم الحرام ۱۳۲۵ .

سابقاً بهمین مضمون تلگرافی در مجلس قرائت شد. شاید این تلگراف مفصل همان اجمال است که وقایع نگار ما خلاصه آن را التقاط نموده و شاید هم تلگراف دیگر باشد .

#### تعیین رکن‌الدوله به حکومت خراسان

روز دوشنبه دوازدهم محرم الحرام ۱۳۲۵ - چون حکومت خراسان تفویض به شاهزاده رکن‌الدوله شده است و در تهیه حرکت است بعضی از متمکلمین و خطباء ملت گویا توقع تعارفی از نواب والا نموده‌اند از آن جمله از قرار گفته نجم‌الذاکرین که مدعی است

خودم واسطه بودم که از شاهزاده مزبور هزار تومان برای آقا سید جمال بگیرم و شاهزاده وعده کرد که از خراسان بفرستد و جناب آقا راضی نشد تا اینکه خود شاهزاده رکن الدوله امروز از جناب آقا سید جمال دعوت نموده و پانصد تومان نقداً اشرقی و پنجهازاری طلا به آقا داده است و قول داده است بقیه را تا هزار تومان از خراسان بفرستد. ولی بنده نگارنده از خود آقا سید جمال استفسار نمودم قسم خورد که چیزی نگرفته‌ام دیگر چه عرض کنم المهدی علی الراوی. اگر این باب رشوه و تعارف مفتوح شود وای به حال ملت. اگرچه این جزئیات در مقابل تعارفات سابقه اندک و چیزی نیست ولی باز باعث خرابی و خرده خرده (۱) کلی و منجر به مفساد سابقه خواهد گردید.

روز سه شنبه ۱۳ محرم - امروز مذاکرات مجلس در باب استعراض دولت بود که از بانک ملی یعنی از پولهایی که برای بانک جمع شده چند کرور به دولت بدهند بعضی گفتند باید مصرف خرج را بدانیم آن وقت بدهیم.

دیگر آنکه دولت شصت و پنج هزار تومان از قوام‌الملك شیرازی گرفته است باید بدانیم قوام برای چه این مبلغ را داده است و دولت برای چه گرفته است. بعضی از وکلاء گفتند دولت پنجاه هزار تومان از بابت مساعده از قوام گرفته است.

دیگر تعیین محتشم السلطنه برای معاونت از صدراعظم در باب مذاکرات در مجلس شوری. قدری با محتشم السلطنه معاون صدراعظم و وزیر افخم معاون وزیر داخله گفتگو شد.

دیگر در باب اسراء قوچان مذاکره شد.

دیگر در باب تعدیل مالیات و فرستادن ممیز به ولایات مذاکره شد و اینکه مالیات بدچه اندازه باید گرفت عشر یا کمتر یا زیادتر.

دیگر در باب تنکابن و پسر سپهدار مذاکره شد.

روز چهارشنبه ۱۴ محرم - امروز راپورت از کرمان رسید که چند نفر از وکلا را معین کرده‌اند و در باب وکیل علماء به واسطه اختلاف بین علماء هنوز منتخب نشده است شمس‌الحکماء دکتر (برادر نگارنده) وکیل اعیان و اشراف جناب آقای شیخ یحیی وکیل ملاکین است. از طرف تجار جناب معاون‌التجار آقا نصرالله. از طرف خوانین و قاجاریه آقا شیخ محسن خان. از طرف کسبه آقا میرزا حسن معروف به کربلائی حسن. شاهزاده فرمانفرما هم خیال دارد پسر خود نصرت‌الدوله را به پیشکاری بهجت‌الملك نایب خود قرار دهد و خود به طرف طهران به طمع منصب سپهسالاری حرکت کند و شاید هم دولت به این شاهزاده بزرگ با تجربه محتاج باشد.

روز پنجشنبه ۱۵ محرم ۱۳۲۵ - مذاکرات در خصوص چهار کرور پول به دولت



و تعیین مخارج دولت و ممیز قراردادن برای مالیات بود .

دیگر در باب کسر مخارج دولت مذاکره شد .

روز جمعه ۱۶ محرم - امروز انجمن مخفی در باب روزنامه مذاکره نموده و قرار طبع روزنامه داده شد و همین چند روزه ان شاء الله طبع خواهد شد .

دیگر بنا شد چند انجمن علنی در محلات تشکیل داده شود و ملت نظارت به اعمال و کلاء داشته باشند . از طرف جناب وزیر مخصوص حاکم تهران سید تومان برای متحصنین حضرت عبدالعظیم که سید محمد تفرشی و سید اکبر شاه و شیخ زین الدین باشد فرستاده شد و چند نفری هم اطراف آنها را گرفته اند ، لکن آقایان به مسامحه و ماطله می گذرانند و شاید از مدد رسانیدن به آنها هم مطلع باشند .

روز شنبه ۱۷ محرم - مذاکرات مجلس در باب رفتن ( لاورس ) رئیس گمرک و معز السلطان به فرانکستان بود که با اینکه از دولت خواستیم او را توقیف نمایند .  
دیگر در باب تمارفاتی که دولت از حکام گرفته است ایراد کردند .  
دیگر در باب رشوه و مجازات رایش و مریشی مذاکره شد .

دیگر در باب پولی که باید به دولت داد مذاکره نمودند در تهران بعضی از هواخواهان عدالت اطفال را محرک گشته سکه ها را ریسمان به گردن در کوچه و بازار می گردانند در حالی که ورقه ای به گردن سگ آویخته شده و بر آن نوشته شده است ( ما مشروطه نمی خواهیم ) و اطفال سکه ها را می زنند و می گویند ای دشمنان مجلس و مشروطیت ، اگر چه این کار در نظر چیزی نیست لکن موجب غیظ و عداوت مستبدین خواهد شد و شاید باعث فتنه هم بشود .  
روز یکشنبه ۱۸ محرم الحرام ۱۳۲۵ - مجلس امروز سری بود و در خصوص مخارج دولت و قطع مرسوم بیواتات دولت گفتگو بود .

سید محمد تفرشی و سید اکبر شاه و شیخ زین الدین در حضرت عبدالعظیم جمعی را تا شصت نفر دور خود جمع نموده و از طرف مستبدین محرمانه به آنها پول می رسد . از طرف جناب آقا سید عبدالله پیغام برای آنها داده شد که اگر از اعمال خود نادم شدید بفرستم شما را به احترام بیاورند و مانند ما از مجلس همراهی کنید لکن آنها قبول نکرده بر جرئت و بی شرمی خود افزوده خلاف و نفاق خود را به اهل عالم ظاهر و هویدا ساخته اند .  
روز دوشنبه ۱۹ محرم - امروز در انجمن طلاب و سایر انجمن های مخفی مذاکره از قسم یاد نکردن و کلاء به میان آمد که در باب قسم یاد کردن مسامحه می کنند و پیغام به حجج اسلام دادند که البته باید و کلاء قسم یاد نمایند ، اسبابهای مخدره قزوینی را که نزد سعدالدوله فرستاده بود در انجمن طلاب حراج (۱) کرده نود تومان تقریباً به اسم او در بانک